

# گفتگو با هنرمندان

## واهل قلم

گفتگوها از: گروه مصاحبه «نگاه»

- ۱- با توجه به اینکه محرم امسال با نوروز همزمان شده و توأم شدن اشک و لبخند، محرم امسال را چگونه می بینید؟
- ۲- احساس شما نسبت به محرم و ایام عزاداری سالار شهیدان.
- ۳- خاطره ای از محرم.

شیرین بینا: بازیگر

۱- هر ۳۳ سال یکبار ایام محرم و صفر با ایام نوروز مصادف می شود. در موقع تحویل سال با ذکر یا مقلب القلوب از خدای حسین سالی پربرکت همراه با سلامتی و عزت آرزو می کنیم ولی در همان روزها با شرکت در مجالس عزاداری پاس حرمت شهدای راه حق و حقیقت را نگه می داریم. محرم امسال را هم مثل سالهای ماضی با تشکیل مجالس عزاداری و یاد شهدای کربلا و شهامتهایشان وظیفه مذهبی خودمان را به نحو شایسته انجام خواهیم داد. انشاءالله امسال که بانام و یاد حسین شهید آغاز می شود، سرشار از برکت باشد.

۲- نوجوانی بودم که با مدرم به مجالس عزاداری می رفتم. مجلس دو طفلان مسلم بود. فردی که نقش یکی از سپاهیان کفار را برعهده داشت. مرتب با شلاق بر تن و بدن دو طفلان مسلم می زد و با خواندن اشعاری مجلس را گرم می کرد که پیرمردی عصبانی از بین جمعیت به طرفش حمله کرد و با دادن دشنام و نفرین کردن مانع از کار آن مرد شد. با وساطت مسؤول هیأت پیرمرد توجیه شد که این شبیهی بیش نیست و او معذرت خواهی کرد و روی آن دو طفل را بوسید و هیأت را ترک کرد.



فرج اله سلحشور

فرج اله سلحشور: کارگردان و بازیگر

همه هدف هستی تحقق صحنه نمایشی به نام عاشورا است و اگر هستی عصاره ای داشته باشد و آن عصاره قطره باشد. آن قطره عاشورا و کربلا است. قهره انهای کربلا (همه ارزشهای انسانیت از بدو خلقت را شامل می شوند) نمادی از یک عشق و الگویی از یک طیف از بشریت هستند و زیباترین داستان نمایش تاریخ بشر، کربلاست. تمام و کمال انسانیت در عاشورا به نمایش گذاشته می شود و اگر کربلا را از هستی بشر حذف کنند، درحقیقت مثل این است که مقصد و هدف را از جنبه بشریت حذف کرده اند و کربلا مثل آینه ای می ماند که همه انسانهای توانمند خودشان را در آن ببینند. پیرمردها، حبیب بن مظاهر را ببینند. جوانها حضرت قاسم (ع) و علی اکبر (ع) را. زنها (زینب کبری) را حتی بچه های دو - سه ساله می بینند خودشان را ببینند و کربلا را الگوی خود قرار دهند.

همه لحظه ها و صحنه های عاشورا عجیب و غریب است و هرکدام به تنهایی نظیری ندارد. شهادت امام حسین (ع) شاید شباهتش حضرت یحیی باشد، ولی نیست. آسیه همسر فرعون با آن شهامتش نمونه ای از کربلاست. اما نیست. حضرت ایوب مصیبت کشیده هست، اما نیست. کربلا یک عمق و عظمت دیگری دارد که از درک ما خارج است. مهمترین زاویه کربلا مثل سند تضمینی برای بقای رسالت رسول اکرم (ص) است و اگر کربلا نبود، چه بسا که از دین رسول خدا جزنایمی نمی ماند. بنابراین عاشورا همه هستی ماست، ولی نوروز همه هستی ما نیست. نوروز یک جشن ملی است و حتی اگر اعتقادی نسبت به آن نداشته باشیم، آسمان به زمین نمی آید. ولی اگر به کربلا بی اهمیت باشیم، گویانکه به هدف خلقت بی توجه بوده ایم. اگر مردم ما در این ایام (جشن ملی) لبخند نزنند، این دو - سه سال تمام می شود و هیچ مشکلی نیست. ما چندی پیش دهه فجر و اعیاد قربان و غدیر را داشته ایم و شادیهایمان را انجام داده ایم و پس از دو - سه سال باز هم عید داریم. چه اشکالی دارد که عاشورا را پاسداری کنیم و مراسمهای ملی و آیینی رابه احترام عاشورا و مقداری خفیفتر و نازلتر برگزار کنیم و عاشورا را قربانی نکنیم.

۲. هر محرمی خودش یک خاطره است.

فربیا کلهر - نویسنده و سردبیر سروش کودکان

عاشورا چه حسی را در شما برمی انگیزد؟

من در هر عاشورا یاد دوران کودکی ام می افتم. بوی هیزم، دیگ های بزرگ، عمومیم که پابرهنه راه می رفت و پاهایش کلی می شد، دسته های عزاداری، پرچم های سبز و

قرمز. اینها هر سال برایم تکرار می شود. هر چند امروزه مشابه آن است ولی دیگر آن روزها تکرار نمی شود.

○ دوست دارید از کدام منظر به واقعه عاشورا نگاه کنید؟

○○ یک پنجه که بالای پرچم ها قرار دارد.

○ خاطره یا نکته ای اگر درباره عاشورا دارید بگویید؟

○○ مزه شربت هایی که می خوردم. من تا هفت سالگی نذر داشتم شربت پخش کنم. لیوان های شربتی که به دست مردم می دادم. آنها می خوردند و می گفتند: «سلام بر حسین»، مزه آن شربت ها فراموشم نمی شود.

○ همزمانی عید و محرم چگونه محرمی را در روبرویمان قرار می دهد؟

○○ به نظر من هیچ فرقی نمی کند. اینها دو مسئله جدا از هم نیستند. شادی و غم بهم نزدیک است. کاری به محرم و عید ندارد. زمانی که آدم شاد است می تواند در یک لحظه غمگین بشود یا در حالی که شیرینی می خورد می تواند سوگوار باشد. بهار و عاشورا چندان فاصله ای از هم ندارد و مانع هم نیستند. می توان گفت بهاری است در عاشورا یا عاشورایی است در بهار.

### حسن جوهرچی: بازیگر

۱- هر کدام جایگاه خاص خودشان را دارند. عید و محرم دو مقوله جدا هستند. عید یک مقوله سنتی و محرم عقیدتی است.

۲- امسال توفیق پیدا کرده ام نمایشی با عنوان خورشید کاروان را برای محرم روی صحنه می بریم. من هم اگر خدا قبول کند. ارادت خودم را در قالب کارم عرض می کنم. ما هم اینطوری عزاداری می کنیم.

### رضا ایرانمنش: بازیگر سینما و تلویزیون

۱- بهار و نوروز هر دو پیام آور سالی نو و فصلی نو هستند. تولد طبیعت و شکوفایی دوباره زمین محرم را هم می توان به عبارتی تولدی برای اسلام دانست. کاری که اباعبدالله با ۷۲ تن از یارانشان انجام دادند. نجات اسلام بود و تقارن این دو (محرم و نوروز) را به فال نیک می گیرم و امیدوارم مردم عزیزمان در نگهداری از اسلام موفق و سالی همراه با خوبی و خوشی داشته باشند.

۲- محرم با هیأت های سینه زنی و دسته ها همراه است و شور و حال خاصی دارد. بهترین خاطره من از یک تعزیه. مجلس علی اکبر است که در یکی از روستاهای رفسنجان شاهد آن بودم. گروهی خودجوش بدون هیچگونه تعلیم تأثیری

شبی در آورده بودند. واقعا جذاب و دیدنی بود. امسال توفیق پیدا کرده ام که برای ماه محرم کاری را به سفارش شبکه اول کار کنم به نام مدرسه خورشید. بقیه توضیحات بماند برای زمانی دیگر.

### انوشیروان ارجمند: هنرمند سینما

۱- محرم به برکت امام حسین حرکتی است شجاعانه و از نوعی دیگر. حق طلبی، حق خواهی و نشان دادن دستورات اسلام بر کرسی دنیا بود. به همین دلیل اگر چه شهادت و شهادت خواهی پایه و رکن اصلی این حرکت را تشکیل می دهد. اما از سوی دیگر درسی است بزرگ و پیامی جهانی برای اعاده حیثیت اسلامی و حق طلبی ایشان. چشم ما برای از دست دادن فردی والا و بزرگوار گریان است. لیکن می تواند برای تمام مردمان درسی باشد برای شادی به سوی حق رفتن و سلامت اسلام خواهی.

۲- تکرار واقعه عاشورا که در ماه محرم به وقوع پیوسته. همواره برای مردمان مسلمان جهان، علی الخصوص ما شیعیان یادآور آن است که می بایستی همواره برای دفاع از دین و حقایق و حق خواهی آن بپا خیزیم.

سید عبدالجواد موسوی: نویسنده و سردبیر نشر به

### سوره

۱- محرم دیگری از راه می رسد و ما متابعان رسوم را بر آن می دارد تا جامه سیاه بر تن کنیم و محزون بنماییم. درست مانند ساعتی که کوک شده باشد عمل می کنیم. سال نو که از راه می رسد. لباس نو می پوشیم و لبخند می زنیم. محرم که فرا می رسد. رخت سیاه بر تن می کنیم و بر سر می زنیم. در ماه مبارک رمضان مسلمانیمان گل می کند و کم و بیش به احکام شریعت گردن می نهیم و همینطور روز و شب را می گذرانیم بی آنکه در حقیقت احوالمان تحولی پدید آید. بر این اوضاع «خنده آور» و در حقیقت سخت تلخ و تأسف انگیز جز گردن نهادن به عادت چه نام می توان نهاد. عادت هر مفهومی را از حقیقت آن تهی می کند. به قول سید شهید مرتضی آوینی: عادت عبادت را نیز فاسد می کند. نمی گویم به همه رسم و رسومات پشت پا زنید اما از یاد ببریم که مراسم و رسومی دارای باطن و حقیقتی است که اگر به آن بی توجه باشیم. به نمایشی بی روح و مضحک بدل خواهد شد که شده است. که اگر نشده بود. گمان نمی کردیم نوروز و محرم دو مناسبت متضاد و متفاوتند. ما از حقیقت نوروز که شکافتن و شکفتن است و به تعبیر اهل حکمت دلالتی بر رستاخیز و پس از مرگ دارد. غافل ماندیم و از حقیقت زندگی و شرافت انسانیت. حقیقت

### محسن مصطفی زاده : شاعر

۱ - با توجه به اینکه آغاز سال شمسی توأم است با آغاز سال قمری و این خودش ارزش و نوعی زیبایی مضاعف است. درست است که ماه محرم یادآور خاطره غم انگیز عاشورای ۶۱ هجرت ولی تقارن پیدا کردن این دو ماه (شمسی و قمری) نشانه میمنت و مبارکی است. ما مسلمانان نگاهمان به عید، یک نگاه اعتقادی است؛ روزی که انسان در آن مرتکب گناهی نشود، عید است. عید تجدید حیات طبیعت و محرم هم تجدید حیات معنوی است. امسال تجدید حیات طبیعت با تجدید حیات اسلام و دین دست به دست هم داده و هر دو در یک مقطع زمانی توأم شده اند. به قول شاعر:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار  
هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

### فخرالدین صدیق شریف : هنرمند سینما

۱ - اصولاً مردم ایران ویژگی های خاصی دارند. این که برای هر چیزی در جای خودش ارزشی خاص قائل هستند و ایرانیان ضمن اینکه به سنتها احترام می گذارند، برای مذهب هم ارزش فراوانی قائل هستند. به همین دلیل ایام عاشورا از قداست خاصی برخوردار است و طبیعتاً در آن چند شبی که مربوط به شهادت امام عاشقان حسین (ع) است، احساس شادی کمتر است. این مسائل تفکیک شدنی است و قابل احترام، هم سنت و هم مذهب معمولاً سنتها مذهب را پرشورتر می کند.

۲ - به هر حال نام و یاد امام حسین مختص ایران نیست. این یک احساسی است که در بین همه شیعیان جهان وجود دارد. این یک پیام جهانی است. پیام ستیز علیه ظلم و وجود ظلم ستیزی است و چیزی که باقی می ماند، فقط حق و حق خواهی است.

### حبیب دهقان نصب : هنرمند سینما

۱ - عید نوروز یک عید ملی است و ریشه در سنتها دارد و محرم یکی از بهترین ماههای سال و ریشه در مذهب و اعتقادات ما دارد و هر سنتی ریشه در اعتقادات ما دارد.

۲ - از سالها و قرنهای پیش از ما تأکید بر سوگواری شده است و متأسفانه کسانی که در این مورد صحبت می کنند، بیشتر قصدشان گرفتن گریه از مردم است. بیشتر باید فلسفه قیام عاشورا و حق خواهی امام حسین (ع) مطرح شود و نه اینکه بیایند همین ایام مرتب بنشینند و همان صحبت های سالهای قبل را گوش کنند و صرفاً گریه کنند. درست است که گریستن بر امام تأکید و سفارش شده ولی بیشتر باید بر زندگی و روش و فلسفه این قیام بزرگ توجه شود. مرگ و زندگی دست حق تعالی است و همه ما طی کننده آن هستیم. از پیغمبرها و

نوروز و محرم خود، خلاف آمده ادات است و آنان که در پی کسب جمعیتند، از این دو ودیعه الهی کامها می توانند گرفت.

### دکتر هادی منوری : شاعر

۱ - محرم همیشه محرم است و این ماه هستیم که فکر می کنیم با تغییر فصل، محرم نیز تغییر می کند. از نظر من، محرم همیشه محرم می ماند، گرم و آتشین و پرحرارت حتی اگر زمستان باشد. هنوز لبهای یاران اباعبدالله خشک است. حتی اگر باران بیارد، هنوز خیمه ها ملتهب است حتی اگر هوا سرد باشد، هنوز بچه های اباعبدالله گریانند، حتی اگر روز عید باشد.

-۲

یک ذوالفقار افتاد و حیدر ندارد  
این پیشوای کیست مردم سر ندارد  
افتاده روی خاک پیشانی خورشید  
افلاک می سوزد اگر سر بر ندارد  
ای آب مهر فاطمه تر کن زمین را  
یک خشک لب می سوزد و مادر ندارد  
در پیچ و تاب علقه همه عباس جاری است  
اما کسی دستان آب آور ندارد  
از اسب می افتد زمین در پای احساس  
اما زمین خشکیده و باور ندارد  
هر روز می بینم تو را هر جا که باشم  
چشمان من دست از نگاهت برندارد  
امروز می فهمم غریبی چیست آقا  
یک ذوالفقار افتاد و حیدر ندارد



دکتر هادی منوری

### محمد کاظم کاظمی : شاعر

۱ - محرم امسال نباید با سالهای قبل تفاوتی داشته باشد. چون محرم برای ما جنبه اعتقادی دارد ولی نوروز در حد آداب و رسوم است. ما می توانیم آداب و رسوم را در یک شرایط خاصی تعطیل کنیم ولی اعتقادات تعطیل بردار نیست در هر صورت بعضی مراسم عید لزوماً نباید همراه با شادی باشد، مثلاً دیدن و باز دیدها. این سنت حسنه است. صله رحم در اعتقادات ما هم سفارش شده، کاری که صواب دارد در محرم هم این صواب نباید ترک شود و از بین برود. می توانیم این آداب را به جا بیاوریم با حفظ اعتقادات.

۲ - سعی کرده ام هر سال نسبت به سال قبل مطالعه و آگاهی خود را نسبت به این واقعه بیشتر بکنم. برای من محرم بیشتر از اینکه جنبه آداب و رسوم و عزاداری داشته باشد، جنبه شناخت بیشتر از این واقعه را دارد.



امامان بگیر تا... بیاییم چگونه زندگی کردن را بیاموزیم. باید در این ارتباط حرف زد.

### جهانگیر الماسی: بازیگر و کارگردان سینما و تلویزیون

۱ - هم عید نوروز و هم محرم، ایام عزاداری سالار شهیدان هر دو از نقاط قوت فرهنگ ما هستند. نوروز بشارت دهنده حیات دوباره و دلیل خلقت، میل و خواسته است. از سوی دیگر محرم نمایشگر آیین و عظمت رفتار انسانی است. عبودیت گم شده‌ای است که جهان امروز تشنه آن است. محرم جلوه‌گاه چگونه زندگی کردن است همراه با عدل.

۲ - خاطره: در زمان کودکی موقعی که با بزرگترهای به عزاداری می‌رفتم، همیشه فکر می‌کردم امام حسین (ع) یک جوان ۳۰ ساله است ولی وقتی که بزرگتر شدم، فهمیدم که او ۶۰ سال و اندی داشته است. متأسفانه این تمام تصورات من از امام حسین بود. بدبختانه ما کمتر در مورد خود امام و علت این حرکت امام چیزی شنیده‌ایم.

### محسن علی اکبری: تهیه کننده تلویزیون و سینما

۱ - فصل بهار موسم رویش گلها و زدودن تاریکی‌ها و رسیدن به روشنایی هاست و فصل درک عشق الهی چه زیباست که در آغاز سال نو شمسی به بهانه محرم دل را از زشتی‌ها بزداییم و با گریستن یا یاد عشاقی چون حسین ابن علی و اهل بیتش الفیای درس عشق‌بازی با محبوب یکتا را بیاموزیم و شکفتن طبیعت و رویش سبزه‌ها را با دعای یا مقلب القلوب... و با درونی پاک قدم به سبزینه‌های آفرینش نهیم انشاء الله.

۲ - زیباترین و تأثیرگذارترین محرم، محرم ۵۷ بود که با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در آمیختن و چه زیبا جوانان رشیدی چون قاسم و علی اکبر در نقطه نقطه این کشور بزرگ با شهدا تشان واقعه کربلا را ملموس تر نمودند و زینبهای زمانه چه زیبا قداست آن خونها را نگاه داشتند. روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد.

### محمد حسین لطیفی: کارگردان

۱ - در محرم یک نوع شکوفایی هست، همانطور که در نوروز هست ولی منظور از هر شکوفایی که جشن گرفتن نیست. ۲ - از آنجایی که نام حسین است و زیاد به این نام صدا زده می‌شوم و مکرر این نام را می‌شنوم، احساس خوبی دارم. یک احساس بلوغ و رسیدن.

### عبدالحسین برزیده: کارگردان

من اعتقاداتی دارم و مطرح کردن این موضوع از زبان من طرح من است.

### پرویز روحبخش: شاعر طنزپرداز، همکار مجله گل آقا

عاشورا یعنی طغیان بر علیه ظلم مقتدر و نوشیدن شربت شیرین شهادت با آگاهی کامل به قول استاد «عادل ادیب» شهادت حضرت امام حسین (ع) در کربلا، موجی شدید از احساس گناه در وجدان هر مسلمانی برانگیخت زیرا آنان پی بردند که می‌توانستند او را یاری دهند، اما کوتاهی کردند.

من «عاشورا» را با توزیع شربت نذری مرحوم مادرم شناختم. وقتی سوگواران تشنه لب، با سلام بر حسین (ع) شربت را لاجرعه سر می‌کشیدند، گویی تمامی تشنگی عاشورائیان همراه با آخرین جرعه آن شربت به پایان

می‌رسید و حلق خشکیده حسین (ع) و یارانش سیراب می‌شد.

یادی از مرحوم مادرم کردم. خدا رحمتش کند. سیده‌ای بود رضوی می‌گفت «سخت بیمار بودم و به آقا امام رضا (ع) متوسل شده بودم. امام در خواب به من توت خوراندید و... شفا یافتم.» به همین سبب فصل توت که می‌شد، باید چندباری برایش می‌خریدیم تا حالات خوابش را تجدید کند. ما مردم، بزرگ شده دامن چنین مادرانی هستیم و باید این قداستهای روحانی، معنوی و ربانی را به نسل بعد با همان زلالی و پاکی تحویل دهیم و حسین (ع) و یارانش با آفریدن «حماسه عاشورا» چنین کردند.

البته حالا چند سالی می‌شود که عاشورا با یادآوری انفجار حرم رضوی همراه شده است. من خودم خیرنگار فاجعه بودم که به همراه مدیر وقت خبر صدا و سیمای مرکز خراسان بلافاصله به صحنه شتافتم. او دوربین به دوش گرفته بود و من نیز خون‌نگار آن حادثه بودم. لحظات سختی بود، خیلی سخت.

### محمود یاوری زاوه: شاعر طنزپرداز

کاش نقاش بودم و می‌توانستم حد اعلای ایثار را به تصویر بکشم شهادت طلبی به اختیار و اشتیاق برای ایجاد مکتبی که شعارش «هیئات من للذله» است، تصویری است شکل گرفته که هرگز از لوح ذهن من محو نخواهد شد.

به گمان من جانسوزترین بخش از واقعه عاشورا، تیری است که بر گلوئ شیرخواره امام حسین (ع) نشست و این نهایت مظلومیت اهل بیت و نهایت شقاوت و درعین حال زبونی اجیرشدگان مثلث زر و زور و تزویر تاریخ بشری است.



حبیب دهقان نسب



جهانگیر الماسی

بخشی از تحصیلات و مطالعات من حول جامعه‌شناسی بوده‌است و این واقعه را هم از این منظر نگاه می‌کنم. این که خانواده‌ای برای پناه‌بردن به سرزمینی آرام کوچ می‌کنند و به این مشکلات برمی‌خورند، این وقتی به صورت فرهنگ دینی عرضه شود، بسیار حرفها و پیامها را در خود دارد که باید بررسی و استخراج شود. قوم ما همانطور که قهرمانان شاهنامه را زنده فرض می‌کند، قهرمانان واقعه عاشورا را هم زنده فرض می‌کنند و البته همراه با قداستی آسمانی. به نظر من لازم نیست این واقعه را به مسائل روز خود نزدیک کنیم. باید آن را به همان فرم قدیم با خلوص اجرا کنیم و درس بگیریم. من به سهم خود استفاده از آوازه‌های جدید و بلندگو و ... را در مراسم عزاداری نمی‌پسندم. من عزاداری روستائیان را می‌پسندم. من قومه‌ای خیلی دور از مرکز را دیده‌ام که در نهایت سادگی و اعتقاد و خلوص اینگونه مراسم را اجرا می‌کنند و آن هم با چه سادگی و زیبایی.

و اما درباره همزمانی عید و محرم در امسال باید گفت: در عین حال که نوروز را بسیار دوست دارم تقارن عید و محرم شادمانی و حزن را توأم می‌کند.

### عاشورا و محرم چه احساسی را در شما برمی‌انگیزد؟

حمید هنرجو: شاعر

احساس من نسبت به عاشورا و آن واقعه‌ای که هنوز گذشت زمان نتوانسته‌است از بزرگی آن بکاهد و آن را در زورق فراموشی بیچند، چون احساس دیگر مردم مسلمان هم وطنم است. من در جایی زندگی می‌کنم که مردمانش نسبت به عاشورا و مسائل آن توجه خاصی نشان می‌دهند و از کنار آن بی‌تفاوت نمی‌گذرند و منی که حالا دستی هم به قلم دارم، در بعضی از کارهایم از این ماجرا الهام گرفته‌ام و نتیجه گرفته‌ام که در برخی مسائل فرهنگی با احساس عمومی دیگران حرکت کنم و به این احساس عمومی هم احترام بگذارم. در کشورها خیلی وقتها دیده‌ایم که مردم نسبت به مسأله‌ای حساسیت داشته‌اند و آنجا که لازم بوده‌است آمده‌اند و کار کرده‌اند و بزرگترین نمونه این وقایع هم عاشورا است. مراسمی که هر سال در جای‌جای این کشور پهنوار اکثر قریب به اتفاق افراد را با خود همراه می‌کند و بعد از گذشت قرن‌ها هنوز هم دلیلی می‌شود برای اجتماع مردم و سینه‌به‌سینه شدن آنها با هم و نضح گرفتن حرکت‌های انقلابی.

دو شخصیت عاشورایی همیشه بر تارک توجه من نشسته‌است:

ابوالفضل العباس که در بیان حدیث او زیانم الکن است و زینب کبری (ع) که ادامه مکتب سرخ حسینی جز با خطبه‌های یزیدشکن او میسر نبود. اگر زینب نبود، همه چیز در همان صحرائی نبود دفن می‌شد. به اعتقاد من هرگونه نقل از خود و خاطرات خود در مقابل آن وقایع که تاریخ برای ما نقل می‌کند، کاری عبث است. اصولاً قیام عاشورا خودش کتابها حرف و حدیث است که فقط بایست خواند و در آن تدبر نمود.

### محرم و عاشورا چه خاطره‌ای را در ذهن شما تداعی می‌کند؟

دکتر میهن بهرامی

از محلات مذهبی تهران، محله‌ای بود که هنوز هم در تهران معروف است. هر سال در ماه محرم بسیاری از خانواده‌ها در آنجا مراسم باشکوهی برگزار می‌کردند و آنچه هنوز هم از آن عزاداریها در ذهن من مانده‌است، مراسم عزاداری مردم آن محله



عبدالحسین برزیده

است. مخصوصاً تعزیه‌هایی که در خانه‌ها برگزار می‌شد. آن وقتها از گروهی تعزیه‌خوان دعوت می‌کردند و در حیاطهای بزرگ روی حوض‌ها تخت می‌گذاشتند و اطراف را هم سپاه‌پوش می‌کردند و همسایه‌ها هم مثل مراسم عروسی داخل حیاط و پاروی پشت‌بامها به تماشای مراسم می‌نشستند. این منظره‌ای است که از کودکی همراه من بوده‌است. بین تعزیه‌هایی که دیدم، تعزیه حضرت مسلم (ع) تعزیه‌ای بود که زیاد توجه مرا جلب کرد و خاطره‌ای را جعبه‌ای در ذهنم که شاید گفتنش خالی از لطف نباشد.

در آن مراسم گروه تعزیه‌خوان تدبیری اتخاذ کردند که خیلی مورد توجه همه واقع شد مسلم را بالای بام می‌بردند و بعد او را با کتف‌های بسته به پایین پرت کردند که برای همه این صحنه واقعی همراه با شکفتن و اندوه فراوان بود و حالا بعد از آن همه سال وقتی می‌بینم سینما و یا تأثر مابه مفاهیم دینی و اجراهای دینی توجه می‌کنند، این خاطره برای من زنده می‌شود، چون کودکی و نوجوانی من در محیطهای مذهبی گذشته‌است و این برای من یک نوع فرهنگ نوستالوژیک است و اینها در ذهن من و عده‌ای از هم‌نسلان من جدا از رسوم و قواعد مذهبی رایج جریان دارد، و در کل من به مراسم عاشورا و این عزاداریها تا حد زیادی با نگاه زیباشناسی تصویرها و حوادث نگاه می‌کنم. هرچند موضوع و جریان حادثه‌ای است غمگانه.

## برایمان از عاشورا و خاطراتان بگوید؟

منوچهر آنتشی: شاعر

من هم مانند خیلی از مردم این سرزمین با این واقعه زندگی کرده‌ام و در حافظه‌ام خاطراتی از لحظه‌های عزاداری ماه محرم وجود دارد. کوچک که بودیم در لارستان فارس زندگی می‌کردیم. آن وقتها من به مکتبخانه می‌رفتم و در آنجا قرآن و چیزهای دیگر درس می‌دادند. یادم هست هر سال و در ماه محرم مراسم زیادی در بین مردم برگزار می‌شد. از جمله مراسم تعزیه بود که در فضایی باز اجرامی شد و تجسمی بود از وقایع صحرائی کربلا یاد و خاطره این مراسم و تعزیه‌ها هنوز هم در من زنده است.

ما با معلممان به دیدن مراسم تعزیه می‌رفتیم و البته خود معلم هم در آن تعزیه‌ها نقش حر را برعهده داشت و اینها خاطراتی دور اما صمیمانه‌اند که تا امروز امتداد یافته‌اند.

بابک نیک طلب: شاعر

به نظر من حادثه عاشورا بزرگترین طوفانی است که از شروع تاریخ تا به حال در زندگی انسان اتفاق افتاده است و از آغاز تاریخ زندگی انسان همچنان جاری و ساری است. در تاریخ طوفانهای زیادی وزیده‌اند. طوفانهای آزادی خواهی، بی‌عدالتی، عدالتخواهی و ... اما عاشورا از نوعی دیگر بود. پدیده‌ای به وسعت زمین و آسمان که همگان را به خود مشغول می‌کند و این چیزی است که هر روز در همه جهان جریان دارد که «کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا»:

ماه خورشید و گل و شبتم رسید

ماه اشک و شیون و ماتم رسید

تازه شد داغ شقایقهای باغ

باز هم از راه، ماه غم رسید

قلب من مثل پرستویی رها

در هوایی آشنا پر می‌زند

می‌رود تا دشت سرشار از عطش

خیمه‌ها را یک‌به‌یک سر می‌زند

باز می‌پیچد صدای تشنگی

در سکوت دشت صحرائی صبور

آسمان ای مهربان آبی‌رسان

بر گلی تشنه گلهای نور

ای خدا فردا نمی‌آید چرا

باز امشب کودکان لب تشنه‌اند

گریه کن ای ابو باران گریه کن

غنچه‌های بی‌زبان لب تشنه‌اند

اما درباره قسمت دوم مطلب یعنی همزمان شدن محرم و

نوروز شعری دارد بیدل دهلوی که در آن یک بیت بسیار زیباست که من خیلی آن را دوست دارم و آن بیت هم این است:

جهان خونریز بنیاد است هشتاد

سر سال از محرم آفریدند

به نظر من فرقی نمی‌کند که محرم کی باشد، امروز باشد، فردا باشد، نوروز باشد و ... به‌رحال این بحث عدالتخواهی و آزادی خواهی امام حسین (ع) در همه زمانها جاری است. بزرگداشت عاشورا، بزرگداشت حماسه آن ۷۲ نفری است که تا همیشه ایام یاد و نامشان جاودانه خواهد ماند، حادثه غم‌انگیزی که باید از آن درسها گرفت.

از عاشورا آنچه بیشتر باید مورد توجه قرار بگیرد، بعد حماسه آن است، نه اینکه ما فقط از عاشورا گریه کردن را داشته‌باشیم. باید دنبال ارزشهای واقعی عاشورا بود، نه ظواهر واقعه و ما که اهل قلم هستیم، در این جریان مسؤولیت سنگین تری داریم.

عبدالجبار کاکایی: شاعر

سال ۶۰، یکی از ماههای نزدیک به محرم بود، مشغول آماده‌کردن نشریه‌ای بودم برای یکی از نهادهای فرهنگی، و قسمتی از آن اختصاص به ادبیات و شعر داشت، برای قسمت شعر نشریه دنبال شعری بودم در موضوع عاشورا، اما نتوانستم شعری پیدا کنم. فکر می‌کردم شعر گفتن کاری است بسیار مشکل، اما به ذهنم رسید خودم شعری بگویم و آن را به نام کسی دیگر چاپ کنم و اینطور شد که شعر

محرم ماه خون ماهی خدایی است

محرم ماه زهد و پارسایی است

را سرودم و خوشحالم که شروع شاعریم با محرم بود و این برای من افتخاری است. اعتقاد من درباره این واقعه بزرگ، این است که عاشورا یک آبشخور است، یک منبع انرژی و نیروی الهی است. برای اهل تفکر و اهل شعر و علتش هم این است که اگر تفکر شیعی را بخواهیم در یک کلام به جامعه معرفی کنیم، تفکری است مبتنی بر حفظ سنن و اعتقادات حتی به قیمت از جان گذشتن و شهادت و این تفکر هم در عاشورا تجلی پیدا کرده است و امام حسین (ع) است که در جهت دهنی تفکر شیعی تا آنجا پیش می‌رود که از جان می‌گذرد. منطق شیعه رسیدن به عدالت است هر چند به قیمت شهادت، و بایسته است اندیشمندان و هنرمندان شیعی گوهرهای این مکتب را استخراج کند و در ادبیات نشان دهد. ما چیزی به نام ادبیات شیعه که قوی باشد، نداریم. ادبیاتی که به‌طور مثال در حد شعرهای مولانا و حافظ باشد و شاید یکی از علت‌های این امر، این است که تفکر شیعی به‌عنوان تفکری اپوزیسیون در مبارزه با حکومت‌های وقت بوده و بر اثر شرایط زمانه ادبیاتش

هم در سطح حرکت کرده‌است و بیشتر در پی تحریک عواطف بوده‌است. اگر این ادبیات با آرامش به عمق تفکر شیعی نزدیک شود، به خوبی خواهد توانست راهگشای معضلات جوامع و کارگشا باشد. من سعی می‌کنم به‌جای عاشورا نگاهی دقیق و عمیق به‌قصد درک عاشورا از لابه‌لای ادعیه، نوشته‌ها و ... داشته باشم.

#### محمدعلی آهنگر: کارگردان

واقعۀ عاشورا به‌رحال برای ما ایرانی‌ها، چیز غریبی نیست و همگی از بچگی با آن عجین بوده و هستیم. این واقعه هر سال به‌نوعی همه چیز را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و تمام وقایع هم‌زمان با این ایام تحت الشعاع تأثیر آن قرار می‌گیرد. یادم هست در دوران نوجوانی که در آبادان بودم، شبهای عاشورا را تا صبح در هیأت بیدار می‌ماندم. این حس و حال را هرگز فراموش نمی‌کنم. عاشورا گل سرسید مکتب ماست.



بابک نیک طلب

#### عاشورا چه حسی را در شما برمی‌انگیزد؟

مجید نظافت: شاعر و روزنامه‌نگار عاشورا و محرم مرا با خودش به سرزمین پر از رمز شعرهای شاعران ولایی می‌کشاند. هرگاه با تب عاشورایی عالم همراه می‌شوم، بی‌اختیار به یاد ابیاتی می‌افتم مثل:

روزی که در جام شفق گل کرد خورشید  
بر خشک‌چوب نیرزه‌ها گل کرد خورشید



عبدالجبار کاکایی

سر نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود  
کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود

چون بیوگان ننگ سلامت ماند بر ما  
تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما

یا ذبیح‌الله

تو آنچنان بلند و نتاوری که به‌گاه تماشا  
کلاه از سر کودک عقل می‌افتد  
تو مظلوم‌ترینی

نه از آن جهت که عطشانت شهید کردند  
بل از آن‌رو که دشمنت این است  
بورینه‌ای با گناهی درشت  
سرقت نام انسان  
زالویی که اکسیژن هوا را می‌مکد  
مخنتی که تهمت مردی بود  
بزید کلمه نبود  
دروغ بود  
یا ثار الله  
هر کسی، هر گاه.

دست خویش از گریبان حقیقت به‌در آورد  
خون تو از سر انگشتانتش تراواست  
و اصلاً دوست نمی‌دارم که به‌یاد اشعاری بیافتم مثل:  
این صید دست و پازنده در خون. حسین توست  
این کشته فتاده به هامون. حسین توست

اما نمی‌شود که به عاشورایی اندیشید، یا تب و تاب محرم و عزاداری همراه شد و با اینگونه اشعار روبرو نشد. اشعاری که بیشتر مرثیه‌هایی سوزناک و اشک‌خیزند. نه سروده‌هایی جهت‌دار و افشاگر و تکان‌دهنده. بگذریم که بزرگواری چون شهید مطهری در میدان مبارزه با اینگونه اشعار زمین خورد پس تکلیف ذره‌ای چون من معلوم است. اما همینقدر می‌توان گفت که خوشبختانه شعر شاعران پس از انقلاب سرشار از روح حماسه است. این شاعران به عاشورا از زاویه‌ای مکتبی که راه و روش مبارزه با ظلم و ستم را عملاً نشان می‌دهد، نگاه کرده‌اند و در مرثی خود بیشتر ابعاد حماسی عاشورا را مدنظر قرار داده‌اند. از این گذشته به‌یاد سالهای خون و حماسه و ایام دفاع مقدس می‌افتم. شبهای حمله، شبهای خوابندان، شبهای چقیه بر سر کشیدن و حق‌کردن و تکان خوردن مهیب شانه مردان بی‌ادعا را، همانانی که مرگ را به‌بازی گرفته بودند. به‌خاطر می‌آورم، که با به‌میان آمدن نام امام حسین چه شورحالی ایجاد می‌شد. به‌خاطر می‌آورم تا بلوهای «تاکریلا راهی نمانده‌است» و ... به‌خاطر می‌آورم مراسم وداع با شهیدان را وقتی مرکب چوبین مردان بر اقیانوس دستها پیچ و تاب می‌خورد و مردم بر سر و سینه زنان فریاد می‌کردند «این گل پرپر از کجا آمده، از سفر کرب و بلا آمده» و اشک امامت نمی‌دهد ...

یک خاطره - یک نکته خدایش رحمت کند آیت الله آقامیرزاهدی نوغانی را که از بزرگان علمای خراسان ما بودند. ایشان در روز عاشورا مجلسی و منبر باشعور و حالی داشته ظهر عاشورا پس از سخنرانی هنگام ذکر مصیبت چنان از خود بی‌خود می‌شدند که بر فراز منبر می‌ایستادند، عمامه از سر برمی‌داشتند و باحالتی وصف‌شدنی، خالصانه و بی‌ریا اشک ریزان و نوحه‌خوان بر سر و سینه می‌زدند. آن بزرگوار

با سن و سالی بالا در آن حالت چنان منقلب بودند که من برای سلامت ایشان بیمناک می شدم، می ترسیدم قلبشان طاقت این همه درد و دریغ رانیانورد. این حال ایشان مجلس را چنان از خود بی خود می کرد که وصفی برای آن نیست و من از شرح آن حال و هوا عاجزم.

### تقارن محرم و نوروز

پایان زمستان شده آغاز محرم  
امسال بهار دل ما عید ندارد

### نام امام حسین شمارا به یاد چه می اندازد؟

#### ناصر کشاورز: شاعر

امام حسین (ع) مرا به یاد آب و تشنگی می اندازد. منظورم از تشنگی آن نیست که بایک لیوان آب برطرف شود، منظورم از آب آبهای زلال و حقیقی است، آبهای دریایی. این آبها ما را به درون خود می کشند، به سمت خدای خود. اما آبهایی که از شیر ظرفشویی پایین می آیند فقط حاجات ما را رفع می کنند.

من از تشنگی های کویری می گویم. عطشهای عاشقانه ای که به سراپاهای دنیا دل نمی بندند.

... آنان آب را فهمیده بودند و از آن به حقیقی زلالتر و شفافتر رسیدند. آنقدر که جان خود را با آن تاخت زدند و با روح خویش شناور شدند اما بسیاری از درک واقعی مفهوم آب و عطش بازماندند چراکه:

حقیقت آب را دریافتن تشنگی عمیق تری می طلبد.

### چه بعدی از عاشورا را... از دید تخصصی...

#### رضا امیرخانی

نگاه تاریخی و روایی، عاشورا را به لحاظ زمانی به سال ششم هجری محدود می داند و کربلا را به لحاظ مکانی محدود به جایی در صحرای طف (عراق امروزی) اما در نگاهی فطری که از عمق آدمی ریشه می گیرد، نه عاشورا را از جنس زمان می داند و نه کربلا را از جنس مکان. و هر خودی که بی خود شد، از فناپذیری رهایی می یابد. پس بی راه نیست که گفته اند: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»

هر انتخابی در عالم، انتخابی است میان دو راه: حسینی شدن، یا یزیدی شدن. ژرف که بنگری، درمی یابی که هر درام نویسی در حین بازکردن گره فرجامین درام، مقتل می نویسد... هر قصه ای خوبی، قصه ای اباعبدالله است، اما خوش تر آن باشد که سر دل بران، گفته آید در حدیث دیگران...

هنر فقط به دو شاخه قابل افراز است، هنری که به غیب باور دارد، و هنری که به غیب باور ندارد، ادبیاتی که حسینی است و ادبیاتی که حسینی نیست... کارهایی که نه از ایمان بویی برده اند و نه از کفر. هیچ زمانی نمی توانند به عنوان یک کاراصیل، داوری زمان را فریب دهند، داوری زمانه را شاید... نه فقط هنرمند. که هراسانی، باید نسبتش را با کربلا روشن کند. هنرمند شاید راجع به آلودگی محیطزیست، دفاع از حقوق کودکان، آپارتاید، فلان حرکت سیاسی، بهمان طیف هنری موضعی مستقل نداشته باشد، اما هرگز نمی تواند راجع به کربلا بدون موضع باشد، چراکه در هیچ بازاری متاع کفر و دین بی مشتری نیست.

#### حسین فتاحی

به نظر من بعد حماسی عاشورا از ابعاد دیگر پررنگ تر و زیباتر است. حماسه هم از نگاه دفاع و جنگ آوری و هم حماسه در بعد انسانی و آن روحيات و اتفاقاتی که افتاده، در مورد آن ایثارها و سبقت گرفتن که خیلی زیبا و جاودانه است.

#### ابراهیم زاهدی مطلق

امام حسین (ع) هنگام حرکت خود از سمت مکه به کربلا بارها به اصحاب خود این نکته را تأکید می کرد که سفر ما با کشته شدن همراه است و این جماعت با من کاردارند. هر کدام از شما می خواهید بروید، بروید. تأکید امام حسین (ع) بدان خاطر است که افراد خود باید به این نتیجه برسند که پا یزید بکنند. حتی اگر ایشان نباشند، و این نشان دهنده مسئولیت فرد در برابر جامعه است. اگر کسی

اعتقاداتی دارد خود باید برای آنها تلاش کند و حرفش را بزند. ارزش امام حسین (ع) در این است که کسی را برای همراهی با خود مجبور نکردند و نخواستند کسی به خاطر او بکنند، حتی بر این موضع هم پافشاری نکرد که امام خود را تنها مگذارد.

#### فیروز زنوزی جلالی: نویسنده

پرداختن به این واقعه که یک حریم رازناک و محرمانه ای دارد، کمی مشکل است. در این واقعه از نظر شاخص های هنری دستمان چندان باز نیست چون ماتنها در محدوده آن



مجید نظامت



ناصر کشاورز



### ذبیح ... صاحب کار

○ با توجه به اینکه محرم امسال با عید نوروز همزمان شده محرم امسال را چگونه می بینید؟  
○○ مردم قطعاً برای مراسم مذهبی ارزش بیشتری قائل هستند تا سنتهای معمول امسال. فکر نمی‌کنم مردم عیدی داشته باشند.  
○ از چه منظری به واقعه کربلا نگاه می‌کنید؟  
○○ روشن است که در بین حوادث تاریخی اعتقادی هیچ حادثه‌ای عظیم‌تر از حادثه عاشورا نیست مردم ما همیشه همراه با ذکر مصائب امام حسین (ع) راز و نیاز می‌کنند. بی‌علاقه و عشق به حسین (ع) زندگی میسر نیست. به هر حال باید گرامی داشته شود، چه در عید باشد چه نباشد. البته دید و بازدید که پایه و اصل عید نوروز است و وصله رحم محرم و غیر محرم نمی‌شناسد.

○ احساس شما نسبت به محرم و ایام عزاداری امام حسین چیست؟

○○ به عنوان یک مسلمان همه ما در برابر این بزرگواران مسئولیم. اینها حجت‌های مکتب ما هستند. محرم بزرگترین روز تاریخ ماست. بعد از قرن‌ها که از این حادثه گذشته هنوز اشکها جاری است.

### اکرامی: شاعر

عشق اولین لطف خداوند است. عشق به امام حسین فقط گریه کردن نیست. امام حسین یک عاشق است و آنچه که ایشان را به کربلا می‌برد عشق است نه مظلومیت. بحث نوروز و محرم بحث اشک و لبخند است. هر چیزی که خاطر امام حسین باشد نیکوست. و قابل احترام. بقول معروف: هر چیزی به جای خویش نیکوست. عید نوروز به معنای طرب و شادی نیست. باید به کارکرد مثبت عید نوروز، یعنی بجا آوردن صلّه رحم توجه داشت. که امام خود در پی نشر آن بوده است.

○ از چه منظری به این مقوله می‌نگرید؟

○○ حسین که نوحه و بانگ و آلم نیست

حسین این گریه‌های دم به دم نیست

حسین این بیرق و طبل و عزان نیست

سری بر تیره‌های کربلا نیست

شروع جان فشانیها حسین است

طلوع مهربانیها حسین است

اگرچه واژگون از زمین افتاده است

ولی در طول تاریخ ایستاده است

نگاه من نگاه زیبایی است مثل حضرت زینب. حضرت فرمودند: من چیزی بجز زیبایی ندیدم. امام حسین را می‌بینم که هنوز بیرق سبزی در دست دارد و می‌گوید: «هیئات من الذله» او نه در کربلا که در طول تاریخ مظلوم بوده است.



حقیقتی که در دل واقعه نهفته است حق جولان داریم. البته هر مقوله‌ای که به گونه‌ای تاریخی باشد به شکلی است که یک کادری آن را احاطه می‌کند. ما باید حرمت آن واقعه را حفظ کنیم در این میان عاشورا از فرازهای ویژه‌ای برخوردار است. برای نزدیک شدن به این حریم خیلی باید با احتیاط عمل کرد. البته چنین دستمایه‌ای ویژه واقعه عاشورا نیست ولی چون در اینجا یک حقیقت در مقابل ضد آن ایستاده. اهمیت فراوان یافته است. عاشورا در این جا برای ما همانند یک درس به شمار می‌آید. هر جا که حق و باطل در مقابل هم قرار گیرد واقعه عاشورا به نوعی برای ما متجلی می‌شود.

و البته چنین برداشتی بستگی به خود نویسنده دارد. باید ببینیم چنین حقیقتی را چگونه می‌توان بهتر بیان کرد. نکته ظریف در این است که هنرمند نباید در وجه شعاری مطلب بیفتد. بلکه باید جدال حق و باطل در اثر هنری قابل انعکاس باشد. میزان اصلی برای سنجش، همان نشان دادن جدال حق و باطل است. هنرمند راستین خواسته و ناخواسته در تمام کارهای خود به چنین جدالی نظر دارد.

در مورد موضوع نوروز و ماه محرم که امسال با یکدیگر تقارن یافته‌اند، بجاست این نکته را بگویم که مردم ما خود اندازه‌های واقعی برای گرامی‌داشت این دو ربه صورت فطری با خود دارند و سعی می‌کنند تا حد ممکن حرمت‌ها را پاس دارند.

تو نه از زندگی نه از رومی حسین

چهارده قرن است مظلومی حسین

او تمام زندگیش را در راه خدا داد حتی علی اصغرش را. علی اصغر وقتی شهید شد علی اکبر شد، او شهادت را آگاهانه انتخاب کرد.

○ چه خاطره‌ای از محرم و ایام عزاداری دارید؟

○ هر چیزی که به امام منسوب بشود مقدس است. حتی چوب و فلز وقتی علم می‌شود متبرک می‌شود. یادم می‌آید توی یکی از این مجالس شبیه خوانی شمر وقتی عبدالله بن حسین را شهید کرد، مردم دویدند و لباسهای عبدالله را پاره پاره کردند و به عنوان تبرک برداشتند، حتی خود شمر که او را کشته بود!

### پورحاجیان

نوروز تحول طبیعت است و دگرگونی آفرینش و محرم تحول تاریخ اکنون این دو با هم همزمان شده‌اند هر یک باید بجای خودش انجام بشود. این دو در راستای هم هستند. امام حسین می‌خواست انقلابی را در شعور آدمها ایجاد کند. همزمان شدن این دو تحول را باید به فال نیک گرفت.

○ از چه منظری به این واقعه نگاه می‌کنید؟

○ دیدها مختلف است. عقلانی، احساسی حتی حماسی، دید من یک دید حماسی - عقلانی است. من به امام حسین افتخار میکنم که همه خانواده‌اش را در راه خدا داد و برای او گریه می‌کنم و بیشتر از آن به او می‌اندیشم. بعضی از مردم چون این واقعه در ادراکشان نمی‌گنجد، به عاشورا از منظر حزن و گریه می‌نگرند. هر حال من به عنوان یک شیعه به خاطر وجود امام حسین به خود می‌بالم.

○ احساسات را در مورد واقعه کربلا بگوئید؟

○ باید این واقعه عظیم زنده نگه داشته شود، پیدمان را نسبت به عاشورا ترمیم کنیم. باید طوری انجام شود که در حد ولایت عاشورا باشد.

○ آیا خاطره‌ای از این مراسم و عزاداریها دارید؟

○ خاطره خاصی که ندارم ولی از علمهای سمبل ماه محرم خوشم می‌آید این علمها همان باری است که ۱۲۰۰ سال است بر دوش احساس می‌کنیم. نمی‌دانم دیده‌اید یا نه کسی که علم را بر دوش دارد با اینکه استوار است پاهایش می‌لرزد. این همان بار سنگین و حالت خوف و رجاست. سنگینی وظیفه است که بر دوش آحاد شیعه تأقیامت قرار دارد و هرکس از زیر این بار شانه خالی کند از مسیر حق و حقیقت خودداری کرده است.

مصطفی رحماندوست: شاعر و نویسنده کودک و نوجوان

○ آقای رحماندوست عاشورا چه حسی را در شما

برمی‌انگیزد؟

○ من یک مسلمانم و در تکیه‌ها بزرگ شده‌ام. خواه ناخواه تحت تأثیر مراسم خاص عاشورا و محرم هستم. حداقل حسی که به عنوان نویسنده در من ایجاد می‌شود، حس حیرت است. اتفاقی در تاریخ افتاده و ۱۴۰۰ سال زنده مانده است و این نباید تنها گریستن بر مصائب اهل بیت (ع) باشد بلکه بجاست جامعه تحت تأثیر این تفکر قرار گیرد، چون زنده بودن فلسفه عاشورا مهمتر است.

○ خاطره‌ای اگر درباره عاشورا دارید

برایمان بگوئید؟

○ از کودکی ما هم مثل همه کودکان

که بزرگ می‌شوند، دسته راه می‌انداختیم. به تکیه می‌رفتیم. سینه می‌زدیم. فعال بودیم. یک روحانی بود به نام حاج میرزا حسن کوچکی. که بدون دعوت می‌آمد به تکیه و دسته بچه‌ها و با آن ماحرف می‌زد. من خیلی تحت تأثیر آن روحانی بزرگوار بودم. یکی از توصیه‌های او در هر سخنرانی‌اش به ما این بود که قبل از شروع هر کار وقتی صبح می‌خواهید از خانه بیرون بروید بگوئید:

«بسم الله و بالله و توکلت علی الله افرض امری (الله الله بصیر بامداد) من هر روز این دعا را می‌خوانم و با خواندن آن در خود احساس انرژی می‌کنم.

○ همزمانی عید و محرم و توأم شدن سوگواری با

شادمانی، چگونه مجرمی را روبرویمان قرار می‌دهد؟

○ در ۲۶ سال پیش همین اتفاق افتاد یعنی محرم و عید همزمان شدند. مردم آن روزها، هم تأثر خود را نسبت به محرم و ایام سوگواری ابراز می‌کردند و هم مراسم نوروز را اعم از دید و بازدید انجام می‌دادند و در دید و بازدیدها با خرما و حلوا پذیرایی می‌کردند و پیش از تبریک عید. بر قاتلان امام حسین (ع) لعنت می‌فرستادند. فکر می‌کنم این شیوه امسال نیز قابل تکرار باشد و امیدواریم این‌گونه باشد.



مصطفی رحماندوست